



شروعگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

راهبردهای دولت زمینه‌ساز در توسعه پایدار طوع و رغبت مهدوی

دکتر سیدمسین فیروزآبادی*

چکیده

«ترغیب و طوع مهدوی»، دو مفهوم مقدس و برگرفته از دعای افتتاح و دعای فرج منقول از امام صادق 7 است که تصویر تحرک اجتماعی فراگیر در جامعه موعود را نشان می‌دهد و ویژگی‌ها، برنامه‌ها، اهداف و تعالیم روان‌شناسانه در این محیط را بیان می‌کند. این مقاله برای تولید ادبیات این دو مفهوم، ابتدا هدف و رویکرد بنیادین در ترغیب اجتماعی در جامعه منتظر را شناسایی می‌نماید و نظام تبلیغی و فرهنگی را متناسب با آن ترسیم می‌کند. هدف اصلی و نهایی جامعه منتظر، مستعدسازی حقیقی انسان‌ها، جز در پناه موعودشناسی، خداپرستی، اطاعت‌پذیری، کسب رضای خداوند متعال و تقرب به درگاه او حاصل‌شدنی نیست. بر این اساس، ترغیب مهدوی، هدف اصلی تنظیم و نگارش این مقاله است. در این رویکرد، ابتدا خواست و نیاز اصلی انسان‌ها، بر اساس روان‌شناسی انسانی در ترغیب دینی، مشخص می‌گردد و سپس با بررسی ادبیات انتظار، راه‌برد استقرار و برنامه اصلی برای پاسخ‌گویی به آن تبیین می‌شود. از آنجایی که بیشتر این امور را باید در وظیفه دولت زمینه‌ساز جست‌وجو کرد، بررسی وظایف و تکالیف این دولت و شناخت ماهیت و رویکرد آن، در زمره اهداف غایی مقاله قرار دارد.

واژگان کلیدی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ترغیب، مهدویت، موعودگرایی، راه‌برد ظهور، جامعه منتظر، طوع مهدوی.

رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تحقق طوع در نظریه مهدویت، علاوه بر عنصر طوع امام در برابر خالق، و طوع مأموم در برابر امام، به جامعه‌ای نیازمند است که طوع محور بوده، روابط اجتماعی و تعاملات افراد با یکدیگر، بر غایت‌جویی عدل و احسان مبتنی باشد. به هر صورت، برای دستیابی جامعه منتظر به طوع، به سه عنصر دیگر «امنیت»، «ظرفیت» و «استغنا» نیاز است و این عناصر، جز از کانال عبودیت و از بزرگ‌راه احساس خدمت به خلق و بندگی برای خالق فراهم نمی‌شود. به جهت تأمین این عناصر، ظهور آن یگانه غایب از نظر، به تأخیر افتاده و دوران غیبت شکل گرفته است.

فقدان جامعه طوع محور، نقیصه‌ای است که شیعه منتظر باید در پی ایجاد آن باشد؛ چون ظهور آن گوهر خلقت، به این اشتیاق و نمایش وفاداری مربوط می‌شود و فرهنگ شیعه بر پایه همین تفکر، برنامه‌ریزی شده است. پیامبران الهی بر پایه همین بینش، در مأموریت آسمانی خود، خواهان اقامه عدالت‌جویی در بین انسان‌ها بوده‌اند و می‌خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان، خود قسط را به پا دارند، عمل صالح انجام دهند، از محرومان دست‌گیری نمایند و امر به معروف و نهی از منکر را اقامه کنند. این عالی‌ترین و پیش‌رفته‌ترین مدل نظام طوع محور است که بر عنصر آگاهی و آزادی جامعه تکیه دارد؛ آن هم جامعه‌ای که از نقطه عبودیت عبور کرده و در فضای بندگی و قرب الی الله سیر می‌کند. به هر حال، امام عادل و منجی بشریت، مأموم طوع‌مدار (راغب، مشتاق، مطیع، متعهد و وفادار) می‌خواهد و دولت طوع، ملت طوع می‌خواهد؛

(تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ).^۱

در همین زمینه، حدیث تأمل‌برانگیزی از امام باقر 7 نقل شده است. حمران از ایشان می‌پرسد: «ای کاش می‌فرمودید قیام حضرت چه زمانی اتفاق خواهد افتاد تا دل ما شاد گردد!» امام 7 در قالب یک حکایت پرمعنا، زمان را به سه دوره تقسیم می‌کند: زمان گرگ، زمان میش، و زمان ترازو. بدین‌سان، حمران را متوجه این نکته می‌کند که تا زمان ترازو فرانسد، زمان حاکمیت امام فرا نخواهد رسید.

امام باقر 7 به خوبی روشن می‌سازد که اگر مردم گرگ‌صفت باشند، پدیده غضب ادامه خواهد داشت و تغییری ایجاد نخواهد شد و اگر میش‌صفت باشند، هرچند به بازگرداندن خلافت غضب‌شده تمایل دارند، عملاً چنین اتفاقی نخواهد افتاد. بالاخره این‌که اگر مردم مشتاق، عامل و طوع‌مدار باشند، خود زمینه‌ساز ظهور می‌شوند تا حق به یغمارفته امامت را به صاحب اصلی آن بازگرداند و امامت و عدالت پایدار در جهان ادامه یابد.^۲

از نظر قرآن، نجات و رستگاری انسان‌ها، فرآیندی است که با اراده انسان انجام می‌گیرد و اراده الهی هم به تحقق و توفیق اراده بندگان یاری می‌رساند.^۳ نظریه اشتیاق منجر به ظهور و پایان درخشان و نیکوی تاریخ بشر، بر سنتی الهی مبتنی است؛^۴ اما این کارکرد

فقدان جامعه طوع محور، نقیصه‌ای است که شیعه منتظر باید در پی ایجاد آن باشد؛ چون ظهور آن گوهر خلقت، به این اشتیاق و نمایش وفاداری مربوط می‌شود و فرهنگ شیعه بر پایه همین تفکر، برنامه‌ریزی شده است

الهی، به شکل‌گیری اراده در انسان‌ها ابتدا دارد که در نهایت اگر به کسب رضای الهی بینجامد، بنابه وعده الهی، اراده ظهور را محقق می‌نماید. در غیر این صورت، هرکس مشخص کردن زمان ظهور را مدعی شود، از دروغ‌گویان است.^۵ خود حضرت هم درخواست و تقاضای خویش را تابع جلب آن اراده مطلق نموده‌اند؛ چون رسیدن به نتیجه ظهور، مستلزم طی یک آمادگی و فرآیند انسانی است و جلب توان‌مندی و اشتیاق در انسان‌ها و پیروان و محیط ظهور، فرآیندی ارادی و تمکینی به شمار می‌آید.^۶ بنابراین، این بستر و زمان تحقق این اراده در جوامع انسانی را نمی‌توان پیش‌بینی کرد؛ بلکه نیازمند برنامه‌ریزی‌های زمینه‌ساز است تا تمامی عناصر مؤثر در محیط، خالص شود و آماده اجرای آن اراده عظمی گردد.^۷

در این تحلیل، هر اراده‌ای که مشتاقانه و مطیعانه، شکل‌گیری اراده الهی در ظهور را می‌طلبد، به تعبیر فیلسوفان اخلاق، یک گام به سوی آن نقطه مطلوب است. به عبارت صریح‌تر، ظهور زمانی رخ می‌دهد که جوامع منتظر در جهان، هر کدام به نوعی با بهره‌گیری از ضرورت‌های ظهور و آگاهی‌ها و تجربیات تاریخی خود، بتوانند عقلانیت نهفته در پیام ظهور منجی را که به جهان عرضه می‌شود، دریابند و برای تحقق آن، عالمانه تلاش کنند. منتظران صالح باید خود صالح باشند و صالح کسی است که آگاهانه برگزیند و برای تحقق آن، به‌طور خستگی‌ناپذیر تلاش کند. در آن صورت، اراده جمعی در جهت اراده الهی شکل می‌گیرد و جامعه‌ای پدید می‌آورد که سنت الهی تحقق آن را نوید داده است.

امام صادق 7 به زراره می‌فرماید:

أَعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ
أَوْ تَأَخُّرُهُ^۸

تو به امامت معرفت پیدا کن و مسئولیت‌های ناشی از این معرفت را بشناس و به آن عمل کن. آن‌گاه که او را شناختی، دیگر این‌که ظهور دیر شود یا زود، موضوعیتی ندارد و تأثیری در کمال تو نخواهد داشت.

در بین علمای معاصر نیز مرحوم مولوی، مرد الهی و عارف بزرگ و معلم اخلاق، در جواب کسانی که از وی برای زیارت

امام مهدی 4 طلب دعا می‌کردند می‌فرمود: «فرزندانم! به جای زیارت آقا، هدایت آن حضرت را بخواهید».^۹

لذا الگویی حرکتی جریان امامت در اسلام و مذهب جعفری، آگاهی‌بخشی و روشن‌گری در جهت افزایش معرفت اجتماعی است. از منظر امامت، حضرت حجت 4 نیز فلسفه ظهور مبتنی بر آگاهی‌بخشی و افزایش معرفت را بر حکومت به مردمی که آگاهی ندارند، حتی اگر آنان به حکومت هم متمایل باشند، ترجیح می‌دهند. فقهای دین، محققان و اندیشه‌ورزان مسلمان در عصر غیبت، گذشته از وظایف دعوت و دلالت به حجت خدا، از مرزهای دین امام خویش دفاع می‌کنند تا از گزند خرافات، فتنه‌ها و شبهات پیاپی دوستان نادان و دشمنان مغرض محفوظ ماند و سلاح‌های مسموم دشمنان در تلاش مهدی‌باوران، خراشی نیفکند و با حضور فعال خود در عرصه‌ها و لایه‌های زمان و آشنایی با زبان زمان خویش، عالم به زمان باشند و امواج فتنه‌ها را رصد کنند و چاره‌ها اندیشند.^{۱۰} به یقین آن حضرت نیز در مقابل، به چارچوب اصول و روش‌هایی عمل خواهد کرد که همه شخصیت‌های الهی در تاریخ عمل کرده‌اند. او می‌آید تا اراده و آزادی انسان را استغنا بخشد. در واقع با جلب حق‌گزینش و اختیاری که خداوند متعال به انسان‌ها عطا کرده، سبب می‌گردد تا آنها راه خود را مسئولانه باز یابند. جامعه ظهور باید مستعد پذیرش گردد (حتی تسکنة أرضك طوعاً) تا فرمان‌بردار احکام الهی شود و اعمال خود را متناسب با اراده و وعده الهی شکل دهد و برنامه‌ریزی کند. این طوع و رغبت و استعداد، باید مستحکم و بنیادی باشد تا حکومت عدل مهدوی که ظهور می‌یابد، پایدار بماند و تداوم یابد (و تمتعه فیها طویلاً).

امام زمان 4 نیز در این زمینه، فرمان مبارک مراجعه به فقیه را در حوادث واقعه صادر فرموده‌اند:^{۱۱} یعنی حضرت حجت 4 نیز بی‌هیچ کاستی، در جهت همین مسئولیت و رسالت الهی - انسانی، عمل خواهد کرد و اراده انسان‌ها، با شناخت عمیق و مسئولانه آن عصر، بر اساس وحی و کلام معصوم و آینده‌پژوهی عقلی و شهودی، می‌تواند با روی‌کرد مثبت و اقبال اکثریتی (طوعه الجمع)، پیروزی کامل حق و ظهور جامعه ایده‌آل را محقق سازد و آن را به انجام برساند.

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لَيْسَتْخَلْفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا^{۱۲}

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.

بنابراین، باید به دنبال شیوه‌ها و راه‌بردهایی بود که بتواند زمینه شکل‌گیری این اراده را در نزد انسان‌ها، جوامع و دولت‌ها پدید آورد و قابلیت ارتقای زمینه‌های ظهور و اتصال آن به سنت‌ها و وعده الهی را برای تداوم آن فراهم سازد.

بیان مسئله

ریشه کلمه طوع در ادبیات عرب، فعلی است که به معنای رغبت، میل، فرمان‌برداری، تبرع، تحمل بارغبت و داوطلب شدن آمده است و منتظران با خواندن «حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا» در دعای فرج و اعلام فرمان‌برداری خود، ظهور آن حضرت و طلوع آن آفتاب حقیقت را از خدای توانا طلب می‌کنند. این دعا اشاره دارد که آن حضرت، برای اطاعت از امر الهی و اجرای خواست خدا ظهور خواهد کرد؛ بنابراین، انسان منتظر این‌گونه تقاضا می‌کند: «پروردگارا! آن حضرت را در زمین خودت ساکن کن، در حالی که از تو اطاعت می‌نماید و اوامر تو را اجرا می‌کند». به اعتقاد برخی از مفسران، طوع، به معنای اختیار و خواست قلبی، در مقابل گره و ایجاب و اجبار، قرار می‌گیرد. در این صورت نیز در معنا، دو احتمال وجود دارد؛ یکی این که پروردگارا! تو آن حضرت را روی زمینت ساکن کن؛ در حالی که آن حضرت از صمیم قلب، تسلیم خواست و مشیت توست. دوم این که: تو او را ساکن زمین کن؛ در حالی که اقتضای مشیت و خواست تو همان است. برداشت دیگر آن که شیعه منتظر در عصر غیبت، تشنه انتظار است و از روی عشق و رغبت، گردن نهادن خود را با آمادگی همه‌جانبه روحی، جسمی، صلاحیتی و تجهیزاتی، برای ظهور حضرت صاحب‌الامر 4 اعلام می‌کند و انسان‌های منتظر، ویژگی‌های مشتاقان و پیروان لایق را کسب می‌نمایند و در دعای خود، این آمادگی اجتماعی را مبنایی برای شکل‌گیری مشیت الهی در ظهور حضرت می‌دانند. از سویی دیگر، در نظریات علمی، فیزیولوژی و روان‌شناسی، بر این نکته تأکید شده که اشتیاق و رغبت، مقدمه و علت اصلی صدور هر حرکت یا رفتار در انسان است و برای آن که انسان بتواند در انجام دادن و ادامه حرکت، اراده‌ای مداوم داشته باشد، شوق و رغبت و انگیزه او باید ریشه‌شناختی و معرفتی به خود بگیرد. در تعالیم شریعت مقدس نیز معرفت، حضور قلب و نیت قرب الی الله، شرط تحقق عبادات و تکلیف ذکر شده است. انتظار فرج که بر اساس

ریشه کلمه طوع در ادبیات عرب، فعلی است که به معنای رغبت، میل، فرمان‌برداری، تبرع، تحمل بارغبت و داوطلب شدن آمده است و منتظران با خواندن «حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا» در دعای فرج و اعلام فرمان‌برداری خود، ظهور آن حضرت و طلوع آن آفتاب حقیقت را از خدای توانا طلب می‌کنند

احادیث مکرر معصومان؛ از اهم عبادات محسوب می‌شود، از این قاعده مستثنا نیست؛ یعنی انسان تا به حرکتی آگاهی و معرفت نیابد و بر اثر آن آگاهی و شناخت، نسبت به آن حرکت شوق پیدا نکند، به اجرای آن حرکت تصمیم نخواهد گرفت و آن حرکت را صبورانه، به‌طور کامل به سرانجام نخواهد رسانید. لذا در رفتار خود، به جاذبه شدید و حضور قلب نیاز دارد که رغبت می‌تواند آن را تسریع و تثبیت کند.

از دیدگاه اسلام، ماهیت رغبت و اشتیاق اجتماعی، روی‌کردی غیر از تمایلات غریزی و غیرارادی است؛ زیرا خداوند متعال، شوق و اشتیاق را برای شکل‌گیری رفتارهای کاملاً ارادی در نزد انسان‌هایی تدارک دیده که فطرت پاک خود را حفظ می‌کنند و آن را پرورش می‌دهند. این اشتیاق برای رسیدن به جامعه‌ای صالح، متخلق، عادل، عالم، آزاد و ظلم‌ستیز و مهرورز تدارک دیده شده است. صبوری‌ها، مقاومت‌ها، مجاهدت‌ها، ایثارها و جان‌بازی‌هایی که انسان در راه عدالت، مسائل اخلاقی و ارزشی و یا کشف حقایق می‌کند و یا پرستش و عشق به زیبایی‌ها و میل به تمسک به فعالیت‌های قدسی و شورانگیز حیات انسانی، همه بیان‌گر وجود رغبت فطری است که میل به رفتارهای پرشور را در انسان به ظهور می‌رساند. اما ایجاد زمینه و آمادگی کافی به منظور یادگیری قدسی روش‌های طوع و هدایت رغبت در راه رضایت الهی و تداوم رسیدن به انسان کامل و جامعه نمونه و پدید آمدن عاطفه رغبتی کمال‌جویانه و خداجویانه نسبت به موضوع در اسلام بسیار اهمیت دارد.^{۱۳} لذا سؤال این تحقیق، آن است که راه‌برد تولید و تقویت و تجلی این شوق و رغبت در جامعه اسلامی، چگونه شکل می‌گیرد و تولید آن در چه مرجعی نهفته و باید صدور یابد؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

درخواست و مطالبه ایمان، اخلاق و عدالت در نزد جامعه جهانی امروز، در حال فراگیر شدن است. با این‌که حاکمیت رفتارهای مردم‌سالارانه در جهان تفاوت دارد، به موازات گسترش تمدن و توسعه آگاهی در جامعه بشری، حقوق انسان‌ها و مطالبه آن‌ها، توسعه یافته و تمامی جوامع، دنبال معنایابی حقوق و اختیارات عدالت‌جویانه خود هستند و ظلم در تقابل با حق، معنا یافته است و عدالت سیاسی، حق خود را در برابر ظلم و تعدی طلب می‌کند و

جامعه ایده‌آل و مدینه فاضله تمامی مکاتب آرمانی و عدالت‌گرای دینی، این مظلوف را در ظرف جهانی، جست‌وجو می‌نمایند.

با این روی‌کرد، جامعه جهانی، نه یک محدوده جغرافیایی خاص، در واقع بستر مناسب شکل‌گیری جامعه منتظر است که باید از رغبت و ویژگی‌های به هم پیوسته‌ای برخوردار باشد که طبعاً معنویت، اخلاق، آزادی، علم و عدالت مطلوب فراهم گردد که متضمن رغبت به شکل‌گیری جامعه عادل در الگوی جهانی آن است؛ یعنی بستر نمونه‌ای که ظرفیت و امکان ایجاد توازن و تعادل فرهنگ‌های عدالت‌جو و اخلاق‌گرا را در مجموعه جهان، به منزله یک «کل به هم پیوسته» به خود اختصاص دهد. اگر این نکته را نیز زیر نظر داشته باشیم که کل به هم پیوسته، مجموعه هم‌آهنگ است و هرگز به معنای «مجموعه یک‌سان» نیست، بلکه جامعه‌ای است که بتواند با فرض تکثر و چندگانگی‌های موجود در جهان، حقوق تمامی انسان‌ها را با یک هم‌آهنگی و هم‌خوانی تأمین کند، طبعاً نظام سیاسی مطلوب در چنین جامعه‌ای نیز باید ظرفیت پاسخ‌گویی کامل به همه مطالبات و حقوق سیاسی و اجتماعی جوامع انسانی را با تمام تکثری که دارند، داشته باشد. لذا الگوی جامعه ایده‌آل جهانی در هر حوزه، باید با استانداردها و شاخص‌های پذیرش و رغبت‌زای عمومی منطبق باشد، نه الگوهای حداقلی که تنها قابلیت انطباق بر یک گروه یا یک جامعه و یا پیروان یک دین خاص دارد، بلکه الگوی دربرگیرنده تمایلات فطری و خداجویانه‌ای که خداوند متعال در سرشت انسان‌ها به ودیعت نهاده است که در این صورت، جهان‌گیر و جهان‌شمول خواهد شد.

بی‌تردید الگوهایی که در جهان مادی امروز برای تأمین اخلاق، عدالت و مردم‌سالاری مطرح می‌شود، در نهایت، در محدوده‌ها و در مواقع خاص، پاسخ‌گو و به‌طور نسبی مؤثر است و در عین حال، قابلیت‌های جهان‌شمول و تعمیم‌پذیر ندارد و داعیه‌داران این الگوها، عمدتاً از صلاحیت‌های حداکثری و مطابق با سنت الهی و از شاخص‌های انسان کامل بی‌بهره‌اند. بنابراین، انتظار برپایی حاکمیت عدالت در جامعه جهانی، علاوه بر ایجاد شرایط عینی و اجتماعی، به باور و رغبت به وجود رهبری صالح و حمایت تام از او نیازمند است که بر اساس مکتب، به پیروانی مؤمن، هوشیار، وفادار، صالح، ایثارگر، انقلابی، متعهد، بردبار، اصیل، باوجدان، منضبط، مخلص، دل‌سوز، آماده و خستگی‌ناپذیر نیاز دارد که مصداق آن

را می‌توان در الگوی یاران رسول خدا 6، امیرالمؤمنین 7 و امام حسین 7 و در زمان حاضر، در شهدای دفاع مقدس و یا در الگوی بسیجی دنبال کرد. پس باید آموخت، چگونه می‌توان ترغیب اجتماعی را سامان داد و به مهندسی اجتماعی و مهم‌ترین محور زمینه‌سازی ظهور پرداخت تا جمهوری اسلامی ایران، بستر اصلی و مناسب ظهور شود و امکان تعقیب و تحقق اهداف والای سند چشم‌انداز را به عنوان هدف شکل‌گیری یک جامعه راغب و منتظر، فراهم سازد.

هدف از تحقیق

اگر بخواهیم نظریه طوع را در ظهور و حضور حضرتش بازخوانی کنیم، باید این نظریه را در چارچوب سنت‌های الهی تبیین نماییم؛ به این معنا که بی‌تردید، جهان نیازمند آینده‌ای متخلق، عادل و ظلم‌ستیز است که در همه ادیان بر این مسئله تأکید شده و اندیشه اشتیاق در شکل‌گیری این آینده، در پناه انتظار ظهور حضرت حجت 4 نیز در همین زمینه تحلیل می‌شود. بر خلاف برخی از سنت‌های الهی که نوعاً جبری، قطعی و خارج از اراده انسان تلقی می‌گردد، زمینه شکل‌گیری این سنت، در اراده ذات حضرت حق تعالی قرار دارد، اما بنابه مکتب انتظار، خارج از فرآیندهای ارادی انسان شکل نمی‌گیرد.

ادبیات تحقیق

همه مکتب‌های روان‌شناسی لازم می‌بینند تا به خواسته‌ها، علایق، محدودیت‌ها و اهداف انسانی، در رسیدن به هدف توجه کنند و به نیازهایی هم‌چون آرامش، امید، رضایت خاطر، شوق، شکوفایی، وفاداری، کمال‌جویی و... پاسخ دهند. بزرگ‌ترین مکتب‌های روان‌شناسی معاصر و روان‌شناسان، برای پاسخ دادن و تأمین این نیازهای انسانی، به رویکردهای دینی و فطری انسان تکیه تام دارند. روان‌شناسان غربی قرن گذشته، برای پاسخ به نیاز انسان‌ها و تحقق تمایل و اشتیاق روانی آنان، از شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌نمایند. زیگموند فروید از راه لذت‌جویی آزاد، آلفرد آدلر از راه قدرت‌جویی اجتماعی و ویکتوریا فرانکل از راه معناجویی جمعی، رغبت عمومی را متحقق می‌دانستند، ولی بعضی روان‌شناسان نیز در این مسیر تحت تأثیر ادیان مختلف، تکنیک‌های خود را اعتبار می‌بخشیدند.

بزرگ‌ترین فیلسوفان قرن بیستم، کوشیدند تا به پرسش‌های زندگی در مورد وظیفه اجتماعی و مشارکت در آن پاسخ دهند و در این مسیر، راه‌کارهایی را عرضه نموده‌اند. بسیاری از آنان در این جهت، نگاهی الحادی به اشتیاق اجتماعی داشتند. سارتر زندگی را برآمده از شور و شوق کودکانه می‌دانست و با بی‌اعتمادی به حیات اخروی، مرگ را پایان راه و زندگی را تکرار مستمر تلقی می‌نمود. او که تصویری منفی و ستیزه‌جویانه از خداوند و حتی عالم داشت، خدا را محدودکننده وجود انسان می‌دانست و چون نمی‌توانست در ذهن خود، میان وجود خداوند با اراده و اختیار بشر سازگاری ایجاد کند، خداوند را برای

همه مکتب‌های روان‌شناسی لازم می‌بینند تا به خواسته‌ها، علایق، محدودیت‌ها و اهداف انسانی، در رسیدن به هدف توجه کنند و به نیازهایی هم‌چون آرامش، امید، رضایت خاطر، شوق، شکوفایی، وفاداری، کمال‌جویی و... پاسخ دهند. بزرگ‌ترین مکتب‌های روان‌شناسی معاصر و روان‌شناسان، برای پاسخ دادن و تأمین این نیازهای انسانی، به رویکردهای دینی و فطری انسان تکیه تام دارند

تحقق اراده آزاد بشر کنار می گذاشت تا آزادی انسان به کمال برسد و محدود نشود. وی بیهوده گمان می برد که وجود خدا سلب کننده اراده و آزادی انسان هاست.^{۱۴}

اما معلمان اخلاق و فیلسوفان بزرگ اسلامی معاصر هم چون آیه الله مشکینی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، آیه الله شهید مطهری و علامه محمدتقی جعفری^{۱۵} و استاد علامه جوادی آملی، به فطرت الهی انسان و پرورش آن پرداخته اند و آن را راه درمان آلام بشری و پاسخ به نیاز انسان ها و تحقق تمایل و اشتیاق روانی آنان معرفی نموده اند. حضرت امام خمینی^{۱۶} در جریان انقلاب اسلامی، کارآیی و اثربخشی مکتب اسلامی ناب محمدی را در درمان آلام اجتماعی و پاسخ گویی به نیازهای انسان عملاً ثابت کرد و امروز آثار این مکتب حیات بخش، تمامی مکاتب جهانی را تحت تأثیر خود قرار داده است.

کمک در مسیر تحقق رشد و کمال انسان ها، از بزرگ ترین آرمان های ادیان ابراهیمی است. انبیا : آمدند تا استعداد های انسانی را شکوفا کنند و با آموزه های وحیانی و با حرمت نهادن به حریم و کرامت انسانی و رسمیت بخشیدن به تمامی ابعاد وجودی انسان، او را احیا نمایند. آیا نگرش رغبت مهدوی می تواند از جنبه روان شناسانه، به تحرک مسئولانه، آگاهانه و هدف مند انسان ها پاسخ دهد؟

امروزه اهمیت مرز جغرافیایی، زبان، نژاد، تاریخ و دیگر امور قراردادی و توافقی میان ملت ها و لذت و سود مادی، به قدری بر احساسات، عواطف و افکار مردم تأثیر گذارده که به بسیاری از مفاهیم انسان محور و جامع که متضمن رهایی انسان از یوغ ستم گری و گرایش به آزادی و عدالت و اخلاق است، بی اعتنا شده اند؛ در حالی که در جامعه منتظر منجی باور، در تحت لوای حجت زمان و برگزیدگان او، همه عوامل برتری مادی و نژادی، نخ نما خواهد شد و همه کوشش خواهند نمود تا به جای عوامل زوال پذیری هم چون ملی گرایی، ثروت، زیبایی، مقام اجتماعی و دیگر امور دنیوی، به شاخص هایی هم چون ایمان، عمل صالح و مقام قرب آراسته گردند. در این جامعه، تنها ملاک میل مهدوی و نزدیک سازی خود به آرمان های ایشان، عامل تمایز و برتری خواهد بود. از این رو، تمامی ادبیات حوزه طوع و رغبت مهدوی، بر اساس استراتژی خدمت پیش از عصر ظهور طراحی می گردد و

سه اصل راه بردی، در آن تعمیم داده می شود:

۱. کاملاً واقع بینانه باشد و حقایق محیطی، روان شناختی و جامعه شناختی را از نظر دور ندارد.

۲. همراه با ارائه طریق باشد؛ یعنی راه رسیدن به شوق و رغبت در جامعه منتظر ظهور را شفاف سازد.

۳. هدف اصلی و نهایی و هدف های واسط و فرعی برای جامعه طوع را تعیین و اولویت بندی کند.

دولت زمینه ساز نیز باید از توان و آمادگی لازم در اجرا و نتیجه گیری لازم برخوردار باشد. لذا زمینه سازی، سه کارکرد را باید در فرد و جامعه فراهم آورد:

(الف) اصلاح خود و آمادگی برای خدمت گزاری؛

(ب) امید به آینده و تحقق اراده الهی؛

(ج) شاداب سازی محیط منتظر و تلاش روز افزون.

انسان منتظر، مادری چشم به راه فرزند را می ماند که دائماً مراقب سلامت، خوراک و اعمالش است؛ مرتب با طیب و بزرگ ترها مشورت می کند؛ فرش و اثاث خانه را شست و شو می دهد و خانه تکانی می کند؛ شناسایی های لازم را انجام می دهد و در انتظار فرزند دل بندش لحظه شماری می کند و هر چه به موعد آمدن وی نزدیک می شود، تلاشش را بیشتر می کند و با وجود مشکلات بیشتر، به امید به دنیا آمدن فرزندش سرزنده تر و شاداب تر می شود. انسان منتظر نیز دنبال این است تا میان روح خویش و امام، سنخیت و ارتباط معنوی ایجاد نماید. وی با امید به آینده مطلوب، وجد و شادابی درونی دارد و احساس ناامیدی به خود راه نمی دهد. رغبت مهدوی پیش از عصر ظهور، محرک تهذیب نفس انسان هایی است که به امام مهدی^{۱۷} 4 و جامعه آرمانی او عاشقانه می نگرند. بر خلاف مدینه فاضله افلاطون که تنها یک تئوری و آرمان ذهنی و انتزاعی است و هیچ انگیزشی در جهت عملی شدن آن صورت نمی دهد و تقدسی در آن وجود ندارد، مهدویت در نزد پیروان آن، جنبه قدسی و دل بری دارد؛ انگیزاننده است و مؤمنان در جهت تحقق آن می کوشند و آن را امری حتمی می دانند. استراتژی خدمت در عصر غیبت، کارکردی رشد دهنده دارد و با سازندگی همراه است. بدین جهت روایات، خدمت به منتظران ظهور را برترین عمل شمرده اند. خادم منتظر همیشه برای رسیدن به وضعیت مطلوب می کوشد. وی هیچ گاه

بدون هدف نیست و عمر را در رکود و بطالت، سپری نمی‌کند. لذا استراتژی خدمت تنها یک تئوری نیست، بلکه پیش از ظهور به رضایت و طیب خاطر، شادابی و آرامش درون، امید به زندگی و حیات بهتر، تحمل سختی‌ها و پیش‌برد اهداف ظهور می‌انجامد. امروز بسیاری از روان‌شناسان معتقدند، معنویات و باورهای دینی موجب می‌شود تا انسان در شکست‌ها و ناگواری‌ها، شکیبایی و تحمل بیشتری داشته باشد و به عنوان هدف آرمان دینی و دورنمای زندگی بشر، حرکتی پیوسته و جاودانه را در روح و شخصیت افراد به وجود آورد. لذا با تصحیح رابطه انسان با دین و معنویت، موجبات شادابی روحی انسان را فراهم می‌کند و او را عاقبت، غایت‌اندیش و اخرویت‌نگر می‌سازد و از پوچی، بیهودگی و زندگی تلخ می‌رهاند؛ زندگی او معنادار می‌شود و با گوهر ایمان، به شادابی و سرخوشی می‌رسد و هیچ‌گاه عمر را به بیهودگی سپری نمی‌کند؛ در حالی که مکتب انتظار با درک صحیح از وجود مبارک منجی و معرفت به ایام و ظهور پرفتوح آن حضرت و آموزه‌های فراوان مکتب اهل بیت^{۱۵}، آثار و انگیزشی بسیار فراتر از نگاه علمی و روان‌شناسانه دارد و روح انسان را رشد و کمال می‌دهد و به زندگی طراوت و جوششی می‌بخشد که فردی هم‌چون امام خمینی^{۱۶} و یاران او را به جهان هدیه می‌کند.

برای پی‌گیری ادبیات رغبت دینی در ایجاد تحرک و تمایل فطری و قدسی در نزد انسان‌ها و شکل‌گیری جامعه منتظر و با بررسی محتوایی ادبیات طوع و رغبت انتظار در آیات قرآن حکیم، مشخص می‌گردد که ظهور حضرت منوط به فراهم شدن بستر و زمینه تغییر است که انسان‌ها آن را از خداوند مطالبه نمایند که خداوند می‌فرماید: «من پسندیده‌ام و به آن رضا داده‌ام»^{۱۵} در باور دینی، رسالت امام زمان که خود انسانی کامل و الگوی کامل انسانیت و ولی و رهبر جامعه ایده‌آل انسانی است، الگویی عینی به شمار می‌آید که «شدن» و «امکان تحقق» را بیان می‌نماید و فرد و جامعه را احیا می‌کند^{۱۶} و برمی‌انگیزاند تا به سوی آن کمال مطلوب الهی حرکت نماید و هرچه بیشتر، فاصله میان «وضعیت موجود» و «وضعیت مطلوب» را هدایت کند و ادبیات اشتیاق و رغبت، تنها در گام برداشتن در این مسیر شکل می‌گیرد؛ اشتیاقی که متضمن درک شرایط و خدمت عاشقانه و راغب در یاری رسانیدن او در انجام دادن هدف مقدسش بوده و ماهیتی عمل‌گرایانه و مسئولیتی عینی دارد. در این بستر و حوزه، هر عمل نیکی که از فرد مشتاق و راغب سرزند و هر تلاشی که در جهت اجرای عدالت و اعطای حقوق عامه و جلوگیری از بروز منکر از سوی هر فردی صورت پذیرد، اقدامی «منتظرانه» محسوب می‌شود و گامی به سوی وضعیت مطلوب و پایداری است که در عصر ظهور تجلی می‌یابد.^{۱۷} این معنای واقعی روایت معصوم^{۱۷} است که می‌فرماید: «منتظر مصلح، باید خود صالح باشد». فرد و جامعه‌ای که در این راه گام برمی‌دارد، بی‌تردید خود را آماده خدمت و فرمان‌برداری از منجی کرده است و دیگر تکلیف مسئولانه خود را برای تعیین زمان تاریخی ظهور، فهم نموده و به آن متعهد شده است.

باید بپذیریم که حرکت به سوی آن نقطه مسئولیت و اوج تعهد، باید با آغازی ممزوج

در این بستر و حوزه، هر عمل نیکی که از فرد مشتاق و راغب سرزند و هر تلاشی که در جهت اجرای عدالت و اعطای حقوق عامه و جلوگیری از بروز منکر از سوی هر فردی صورت پذیرد، اقدامی «منتظرانه» محسوب می‌شود و گامی به سوی وضعیت مطلوب و پایداری است که در عصر ظهور تجلی می‌یابد

از شناخت هدف، شوق حرکت و اطاعت‌پذیری و ذوب در ولایت^{۱۸} همراه شود؛ یعنی آغازی مؤمنانه و متعهدانه در جلب رضای الهی و با حضور قلب که در این صورت، می‌توان به تجربه‌ای از ظهور و حضور دل بست؛ چون انسان‌ها با مسئولیت و درک شرایط و با شناخت از معیارها و اهداف منجی بشریت، در جهت عینیت‌سازی آن اهداف گام برداشته‌اند و هر لحظه را در پیوند با اهداف امام زمان 4 به عنوان سمبل فرد و جامعه منتظر دنبال می‌نمایند. لذا باید بهترین‌ها را برای جلب رضایت او انجام دهند. به این ترتیب، «ظهور تقویمی» هیچ‌گاه منتظر را به خود مشغول نمی‌سازد. بلکه منتظر با هر فعل مثبت و سالم‌سازی جامعه، یک گام خود را به ظهور نزدیک می‌سازد تا خدا را به آن عدالت تام و غایی با اخلاق و کرامت تام انسانی، پیوندی مداوم دهد. دولت زمینه‌ساز مسئولیت این آماده‌سازی را در نیت حرکت، عمل و تا تحقق ایده باید بر عهده داشته و خود را خدمت‌گزار به این علاقه و تعهد بداند و آماده‌سازی خود و جامعه را اصل جلب رضایت او و خداوند سبحان قرار دهد.

به راستی بدون ترغیب مهدوی، چگونه می‌توان نسلی منتظر و مهدی‌باور را انتظار داشت؟ به نظر می‌رسد که بین ترغیب مهدوی و تربیت نسل منتظر، رابطه علی و معلولی برقرار باشد؛ یعنی نسل مصلح، منتظر و معتقد به حضرت مهدی 4، معلول و محصول یک نظام کارآمد ترغیبی است.

ترغیب دینی نسل منتظر و آسیب‌شناسی آن، موضوع پیچیده‌ای است که هرگونه تجویزی برای آن، به یک جامع‌اندیشی و ژرف‌نگری، با سلطه بر مبادی معرفت‌شناسی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و فن‌آوری، تربیتی و آموزشی، با رویکردهای مختلف روش‌شناسی تبلیغی، رسانه‌ای و ارتباطی نیاز دارد.

ایمان در ادبیات ترغیب مهدوی هم‌چون تربیت دینی، باید در سه حوزه شناختی، عاطفی و عملی، آثار خود را بر جای بگذارد تا آن را یک باور کامل بنامیم. هدف در ترغیب مهدوی، رساندن سطح معرفت مخاطب از باور مهدوی به مسئولیت‌پذیری، تعهد و مجاهدت برای برپایی و اعتلای جامعه منتظر است؛ یعنی با تبیین درست گزاره‌های معرفت‌بخش مهدوی، به غنای اعتقادی مخاطبان امروز عمق ببخشیم. وقتی این اعتقاد با روح و جان مخاطب درهم آمیخت، قطعاً به حوزه رفتار فرد سرازیر خواهد شد

و به لطف و فضل خدا و بنا بر سنت الهی، تحرک و هدف‌مندی اجتماعی خود را نیز نشان خواهد داد.^{۱۹} لذا در نظام مدیریت ترغیب، سعی می‌شود با تحریک سه حوزه احساس، اندیشه و عمل بر اساس معارف و منابع فرهنگ غنی موعودگرایی، میل به ظهور و تلاش برای مستعدسازی زمینه‌های آن فراهم آید.

با آغاز انقلاب اسلامی، ترغیب و ترویج دینی با گستره‌های وسیع و جهان‌بینی حداکثری، از قالب‌های سنتی، به روش‌ها و رویکردهای جدیدی تغییر شکل داده است. از آن‌جا که داشتن دورنمای دینی در رأس هرم فرهنگی جامعه، به شتاب چرخ‌های فرهنگی آن جامعه کمک خواهد کرد، ترغیب مهدوی با لحاظ راه‌کارهای مناسب، در تولید و خلق نظام مهندسی فرهنگی جامعه، نقش آفرینی می‌کند.

مخاطبان ترغیب

شناخت مخاطب و توجه به اختلافات روحی - روانی، فکری و فرهنگی در جامعه موعودگرا، یکی از ضرورت‌های ترغیب به شمار می‌آید. ترغیب در این جامعه، با مخاطبان غیرهمگن و مختلفی از جهت توانایی ذهنی، سطح تحصیلات، سطح استعداد، سن و... روبه‌روست که با سنجش مخاطبان خود از هر ذهنیت و با هر ظرفیتی باید به صورت گزینشی، به چینه‌ش مطالب و محتوای ترغیب دست بزند. نبود توزیع صحیح نرم‌افزارهای فکری - فرهنگی در عرصه ترغیب مهدوی، به نوعی مخاطب را دچار نوسان و افت معرفتی خواهد کرد.

موضوع‌بندی ترغیب

تطابق آموزه‌های ترغیب با نیازهای جامعه، و همگن‌سازی درونی اجزای معرفتی و تنظیم مناسبات و روابط اجتماعی جامعه بر اساس مبانی ظهور، به موضوع‌بندی حوزه‌های ترغیب کمک خواهد کرد. اصل ولایت و ولایت‌پذیری، در رأس همه موضوعات است.^{۲۰}

استدلال‌پذیری ظهور

در ترغیب مهدوی، برای عمق بخشیدن به اندیشه ظهور، به نوعی عقلانیت و استدلال نیاز داریم. در طرح مباحث ترغیب، توجه به بستر پذیرش موعود و منجی‌باوری و اعتقاد به زمینه‌سازی

و تلاش در این زمینه را فراهم می‌کند. لذا تطبیق گزاره‌های مهدوی در چارچوب فهم و ادراک مخاطب، ترغیب مهدوی را کارآمد و نافذ خواهد نمود.^{۲۱}

هنرمداری و رسانه‌مندی ترغیب مهدوی

در فضای مملو از رسانه‌های پرگستره و مخاطب ارتباطی، هم‌چون ماهواره، اینترنت و غیره، مرزهای پیام‌سازی و تأثیرگذاری، بسیار محدود‌ساز و هنرمندپذیر شده؛ به طوری که بدون آن نمی‌توان ارتباط مطلوبی را با فرهنگ‌ها و ادیان و ملل مختلف برقرار کرد و زنگارهای خرافی و الحادی را از تفکر موعودگرایی مهدویت زدود. در ترغیب رسانه‌ای، امروزه ارتباطات، از کلامی و تصویری، به شکلی کاملاً ماهرانه تغییر روش داده است و کسانی موفق‌ترند که از این فضای مجازی فرهنگی به‌وجود آمده، نهایت استفاده را بنمایند و معارف و اندیشه مهدویت را در گستره‌ای وسیع به تصویر بکشند. هنر بهترین و رساترین وسیله در این زمینه است.

دولت زمینه‌ساز و ترغیب مهدوی

به نظر می‌رسد برای مهندسی ترغیب و اطاعت اجتماعی در عصر ظهور، بایستی به شناخت شاخص‌های آن پرداخت تا بر اساس آنها بتوانیم ساختار نظام‌مند مهندسی اجتماعی انتظار را استوار سازیم و چهار شاخصه اساسی و انسانی ذیل را در مورد آن، سامان دهیم:

- توسعه زمینه‌های کنش اجتماعی به سوی ظهور و برپایی دولت کریمه؛

- فهم حوزه نیاز اجتماعی در وضعیت موجود؛

- نحوه مشارک اجتماعی در فرهنگ انتظار و استعانت ظهور؛^{۲۲}

- وحدت کلمه و جهت‌گیری توحیدی و امامت و ولایت این کنش اجتماعی.

شاخصه‌های ترغیب اجتماعی، تابع فهم صحیح از ضرورت‌های اطاعت‌پذیری اجتماعی و ضرورت‌های ظهور و ترغیب به تحقق دولت کریمه و فهم نیاز اجتماعی در وضعیت موجود و استعانت ظهور و استنباط و هدایت صحیح آن است. بر همین اساس، بایستی نگاه مهندسی در فرهنگ ظهور را رقم زد و تحول اجتماعی و شاخصه‌های رغبت ظهور را در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، زیر لوای هدایت ولایت و امامت فراهم کنیم تا به فضل خدا و حول و قوه الهی آن هدف را محقق گردانیم.

شاخص‌های ترغیب اجتماعی، وقتی معنا می‌یابند و کارآمد و اثربخش خواهد بود که در بستر جمعی و عمومی و اجتماعی تجلی یابد. بر این اساس، سنجش کیفی فقدان، ضعف و یا وجود میل و اشتیاق اجتماعی و قلبی در نزد مردم، سعادت لقا و مشاهده ظهور آن حضرت را در نزد منتظر، به تعجیل و تأخیر می‌کشاند. این سنجش بر معرفت و صداقت آنان مبتنی است و این همان فلسفه پابرجایی و تداوم امامت و ولایت در مکتب اسلام ناب محمدی ﷺ به منظور جریان یافتن ولایت تشریحی به شمار می‌آید.

شاخصه‌های ترغیب اجتماعی، تابع فهم صحیح از ضرورت‌های اطاعت‌پذیری اجتماعی و ضرورت‌های ظهور و ترغیب به تحقق دولت کریمه و فهم نیاز اجتماعی در وضعیت موجود و استعانت ظهور و استنباط و هدایت صحیح آن است. بر همین اساس، بایستی نگاه مهندسی در فرهنگ ظهور را رقم زد و تحول اجتماعی و شاخصه‌های رغبت ظهور را در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، زیر لوای هدایت ولایت و امامت فراهم کنیم

روی‌کرد برتر در توسعه و استقرار رغبت در جامعه منتظر

ترغیب و اشتیاق به زمینه‌سازی ظهور در نظریه انتظار، شکل‌گیری گونه‌ای از قدرت عمومی را موجب می‌شود تا خود را در شیوه تلقی و عمل موعودگرا نموده، تلاش خود را به تأمین حداکثر کمال و رشد اخلاقی و معنوی در خود و دیگران معطوف کنند.

در مقابل، دولت منتظر باید سعی کند با ایجاد زمینه‌های بروز و ارتقای فرهنگ رغبت به ظهور، هم خود را جامع فضایل و محاسن اخلاقی و عقلی در پی‌گیری قدرت سیاسی، عدالت و آزادی‌خواهی نماید و هم در مقام عمل و اجراء، جامعه منتظر را در تمسک به اخلاق اجتماعی، ترغیب و یاری کند. جامعه منتظر در جهت مشارکت در تولید این قدرت، باید مدافع و حامی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و دینی شود و ابزار زندگی صنعتی و علمی خود را برای تحقق کمالات انسانی (عبادت، عبودیت و تقرب به خدا) جهت دهد. دولت تنها با این روی‌کرد راه‌بردی می‌تواند جامعه انسانی را فعال، خلاق، بانگیزه، پرشور و احیا کند. از این رو، تصحیح معیار در جهت پی‌گیری هدف در این دولت، هدایت جامعه منتظر و ترغیب به توسعه اخلاق و معنویت، بر دین و تکامل و تعالی انسانی تا نهادینه‌سازی زمینه ظهور مبتنی است.

دولت منتظر می‌تواند با پی‌گیری الگوهای ترغیب عمومی، الگوی زندگی امروزین را موعودگرا کند و با نظر به آینده، برای رفع کاستی‌ها و نابسامانی‌های اخلاقی و معنوی جوامع اقدام نماید و در تربیت و پرورش نفوس از آن بهره‌گیرد.^{۲۵} جامعه ترغیب‌شده و علاقه‌مند به ظهور، مایل به شکل‌گیری «دولت زمینه‌ساز» و دولتی مبتنی بر نظام ولایت است که جامعه را در تمامی ابعاد و جنبه‌ها، به سمت رشد اخلاقی و کمال مطلوب انسانی، هدایت کرده، باورها و رفتارهای مردم را اصلاح نماید و در جهت موعودگرایی ارج نهد. جامعه منتظر به عبارت دیگر، جامعه‌ای مسئول و مشارکت‌جو و وظیفه‌دار اصلاح و ترمیم خود از طریق امر به معروف و نهی از منکر، در جهت کسب سعادت حقیقی و کمال اخلاقی و معنوی در جامعه است. دولت نیز جامعه را در رسیدن به این قله، دولت زمینه‌ساز باید برای ارائه امکانات و تسهیلات و

بنابراین، دست یافتن به روی‌کردی در تولید و توسعه بستر و لوازم ایجاد شوق عمومی و تمایل اجتماعی و شاخص‌های انسانی آن مهم می‌نماید و ما را به مهندسی و برنامه‌ریزی ترغیب اجتماعی در قالب وظایف دولت زمینه‌ساز ناچار می‌کند، تا بتوانیم زمینه‌های ظهور «موفور السرور» را هموار سازیم.

انجام دادن این‌گونه تحقیقات و تربیت و فعال‌سازی فرهیختگان و اندیشه‌ورزان فقیه و فهیمی که این‌گونه مسئولیت احیا و برانگیختن ادراک رغبت و شوق ظهور و اطاعت اجتماعی در جامعه منتظر را بر دوش می‌کشند، از ضرورت‌های توجه فضای انقلاب اسلامی و بیداری جهانی است که سه دهه مقدس خود را پشت سر نهاده و با پی‌گیری دیگر وظایف خود در قالب تقویت و تشریح جامعه ظهور در قالب دعوت، دلالت، ذب و دفاع و اعانت و نصرت، و انقاذ و نجات، محیط فعالیت‌سنجی‌گرایان را آماده و مشتاق می‌کند و به پاسداری از حریم دین و امامت مجهز می‌نماید. آن‌چه در پایان تلاش‌های مورد نظر این تحقیق اهمیت دارد، تقویت تحقیقات متعاقب آن است که بررسی فاصله میان ما و جامعه و تلاش در اجرای معیار و انتظاراتی است که در جامعه ایده‌آل عصر ظهور مورد انتظار تصور می‌شود. نتیجه این تحقیق هم نشان دادن راه‌کارهایی است که باید به اقدام عملی برای کم کردن این فاصله‌ها بینجامد. دولت منتظر، دولت مشتاق و مملو از تلاش و صداقت در زمینه‌سازی ظهور است. خدمت‌گزاران، با اشتیاق فراوان تلاش می‌کنند تا سیاست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ را به سمت فضیلت‌های اخلاقی و خیرات کشانیده، با پیوند میان سیاست و اخلاق، در تعالی و تکامل اخلاقی مردم کوشا باشند. آنان با ترغیب‌سازی عمومی، تلاش می‌کنند تا دانش، صنعت و تکنولوژی را در مسیر آماده‌سازی استعداد‌های بالنده انسانی و مستعدسازی ظهور قرار دهند و رابطه مردم با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت را به سمت تصحیح پیش برند.^{۲۳} در این فرهنگ، ترغیب و اشتیاق مردم، ظهور سرچشمه‌های اخلاق، عمل مؤمنانه و دور از نفاق به احکام دین را موجب می‌شود و به وعده‌های الهی و تحقق آرمان‌های شریعت آسمانی توجه می‌گردد تا منتظران بتوانند در قالب تکلیف، وظیفه خود را به شکل جامعه‌ای سالم، اخلاقی، عادل و مملو از دانایی و مهر تبیین نمایند.^{۲۴}

توسعه علاقه‌مندی و کنش موعودگرایی در جامعه، نظارت کارآمد خود را در همه شئون سازمانی و ابعاد زندگی انسان راغب و کنش اجتماعی موعودگرایی او بروز دهد. در واقع اخلاق متعالی و تصحیح همه روابط اجتماعی و سازمانی مؤثر از سوی دولت زمینه‌ساز، باعث می‌شود تا رفتارها، طرز تلقی و باورهای انسان‌ها و ظرفیت‌های منتظران تکامل یابد. این عوامل به موفقیت نخواهد رسید مگر آن که دولت زمینه‌ساز، همه راه‌بردها و کارکردهای خود را بر پایه توسعه معنویت و موعودگرایی قرار دهد تا جامعه‌ای پراشتیاق، خلاق، متخلق، پرتلاش، ظلم‌ستیز و عزت‌مدار حاصل گردد.

با رواج این فضایل و حاکمیت موعودگرایی، بی‌تردید جامعه از اشتیاق و روی کردهای سلامت‌سازی محیطی بالایی برخوردار خواهد بود. در این جامعه اخلاق، تعاون، انفاق، عفت‌جویی، تواضع، حسن‌ظن، محبت و عدالت‌محوری، در اولویت نیات و پیشه هر عمل خواهد بود. موعودگرایی اجتماعی نیز راه‌بردی اساسی برای منتظران در نیل به مدینه فاضله و جامعه آرمانی اسلام به شمار خواهد آمد که می‌توان در آن با فکری آسوده و به دور از وحشت زندگی کرد.^{۲۶}

البته باید توجه داشت که این ترغیب، امروز نیز در قالب منجی‌گرایی در دنیای سکولار، توسط بسیاری از سازمان‌های فرهنگی و نهادهای غیردولتی و دولتی غرب تبلیغ می‌شود. اما اهداف آنان در جامعه موعود، تنها پرداختن به شکل و پوسته آزادی، امنیت، رفاه، بهداشت، آموزش و کار مناسب است؛ در حالی که هدف جامعه منتظر اسلامی، فراتر از آن چیزی است که امروز در دموکراسی‌های دنیا و غرب از آن صحبت به میان می‌آید: تلاش برای شکل‌دهی و عمق بخشیدن نیات و تلاش فردی و گروهی در هدایت و تکامل‌گرایی انسان، خلیفه‌الله نمودن انسان‌ها و تکریم آنها در تمامی ابعاد انسانی در نظام جهانی، از تمایزات مرجع موعودگرایی و مهدویت است.

راهکارهای توسعه ترغیب در دولت زمینه‌ساز

نظام سیاسی در نزد منتظران، زمانی در ترغیب سازنده و تلاش مشتاقانه، موفق خواهد بود که بتواند این ادبیات را در قالب یک رویکرد راه‌بردی و کارآمد و متعادل، در تمامی حوزه‌ها و فرصت‌های ملی و اسلامی، پراکنده کند و موجب کاهش یا از بین بردن تعدیبات و ضایعات فرهنگی در جامعه منتظر گردد. چنین رویکردی هیچ‌گاه آرمانی نیست، بلکه راه‌بردی عملی و قابل دسترس است؛ زیرا در راه‌برد موعودگرایی، اشتیاق و پذیرش وفادارانه در برابر منجی عدالت‌پرور، رفع ستیزه‌جویی فساد و تجاوزگری را موجب می‌شود و منجی در قالب امامی عالم متجلی می‌گردد که مدیر، مدبر، توان‌مند و عادل است و بر حسب تکلیف، زعامت دینی - سیاسی مردم را عهده‌دار خواهد شد. این دو به معنای ضرورت آمادگی روحی و روانی و پرورش استعدادها و خلاق معنوی و فیزیکی در استفاده بهینه و کارآمد از تمامی امکانات و منابع، در جهت کمال‌خواهی انسان و شکل‌گیری جامعه فاضله ولایی است.

اخلاق متعالی و تصحیح همه روابط اجتماعی و سازمانی مؤثر از سوی دولت زمینه‌ساز، باعث می‌شود تا رفتارها، طرز تلقی و باورهای انسان‌ها و ظرفیت‌های منتظران تکامل یابد. این عوامل به موفقیت نخواهد رسید مگر آن‌که دولت زمینه‌ساز، همه راه‌بردها و کارکردهای خود را بر پایه توسعه معنویت و موعودگرایی قرار دهد تا جامعه‌ای پراشتیاق، خلاق، متخلق، پرتلاش، ظلم‌ستیز و عزت‌مدار حاصل گردد

راهکارهای اساسی در توسعه جامعه مشتاق

مهم‌ترین اهداف و خواسته‌های دولت زمینه‌ساز، کمال خواهی و تلاش منسجم برای ترغیب جامعه منتظر در جهت اهداف ذیل است:

۱. قبول و پیروی از فرهنگ تلاش مجدانه و خلاق انسان‌ساز، با توجه به سازوکارهای برخاسته از ایمان به خدا، احکام دینی و آموزه‌های کتب مقدس آسمانی، به‌ویژه قرآن و مکتب مرفی اسلام ناب محمدی ^{۲۷} ۶
۲. فرهنگ خداجو و شیطان‌ستیز در جهت تصحیح عمل‌کردهای سیاسی و اجتماعی جامعه انسانی (توحید و استکبارستیزی)؛
۳. طراحی، تبیین و استقرار مدل‌ها و راهبردهای تسهیل‌ساز در فهم و وجهه عمل قرارداد مکتب موعودگرایی عدالت‌خواه و گسترش اشتیاق ظهور عدالت جهانی؛
۴. توجه و نظارت بر تکمیل حلقه‌های شکل‌گیری و توسعه فضایل اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی جامعه، برای ریشه‌کن نمودن رذایل و آلودگی‌های اخلاقی و مفسد اجتماعی از سطح خانواده تا جامعه؛
۵. توجه به تجهیز و توسعه ادبیات تکریم انسانی، از طریق فهم بنیان‌ها و ضرورت‌های علم نافع و شکوفاسازی عقل و اندیشه فطری و خدامحور؛
۶. تمهید زمینه‌های لازم فرهنگی در نجات مردم از چنگال جباران و مفسدان، از طریق بسط رسانه‌ای و آشکار کردن فرهنگ عدالت‌جویی و ظلم‌ستیزی؛
۷. تئوری‌سازی و استقرار نظام‌های نظریه‌پرداز در توسعه فکر و فرهنگ عدالت اجتماعی و اخلاق خدامحور در جامعه جهانی؛
۸. پشتیبانی فرهنگی و معنوی از ملت‌های محروم، در فهم و پذیرش پیام موعود و اشتیاق‌گرایی مهدوی در نیل به کمال مطلوب و بالندگی اخلاقی حیات فرد و جامعه؛
۹. الگوسازی و تقویت و تبلیغ جامعه مصلح و پرچمدار مخالفت با ستیزه‌جویی، تجاوز، کینه‌جویی و خودپرستی قدرت‌های ظالم؛
۱۰. کمک به تأسیس و توسعه حکومت‌های مردم‌سالار و مشارکت‌گرای مشروع (مردم‌سالاری دینی)؛
۱۱. تلاش در شکل‌دهی نهضت‌های بیداری و جنبش‌های

نافذ اجتماعی و فرهنگی در مبارزه با تبعیض، یک‌جانبه‌گرایی، تحمیل و نژادپرستی؛

۱۲. تلاش در شکل‌دهی نهضتی جهانی و مردمی برای مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری و دست‌گیری از محرومان در تمام کره زمین ^{۲۸}.

رسیدن به این اهداف والا و مقدس، در گرو این است که فرد علاقه‌مند در جمع منتظران منجی مهدوی، ابتدا اخلاق و رفتار خود را تغییر دهد و به این اهداف، تمسک و تشبه جوید و به اصلاح و احیای خود بپردازد. پس از این کار، جامعه مشتاق شکل واقعی به خود می‌گیرد و میل به حمایت و شکل‌گیری دولت کریمه مهدوی، نهادینه می‌شود.

در پناه چنین ویژگی‌های برجسته و ارج‌مندی است که جامعه منتظر، از سایر جوامع متمایز می‌شود. برخی از این ویژگی‌ها، بیان‌گر تخلق، اشتیاق و کمال‌طلبی موعودگرایان، محور بودن معنویت و رشد اخلاقی در آنان است و برخی دیگر مسئولیت، تعهد، انضباط، برنامه‌ریزی و تأثیرگذاری را نشان می‌دهد که دولت زمینه‌ساز در ایجاد شرایط آن مسئول است.

راهکارهای مقوم در نهادینگی ترغیب و مسئولیت‌پذیری در جامعه منتظر

جامعه منتظر، دنبال توسعه نجات بشریت، عدالت و توسعه‌ای است که تجربه قدسی وعده داده شده و گران‌بهای را در خود دارد و سعی می‌کند خود را از ستم و تجاوزگر دور نگاه‌دارد، ستم‌دیدگان را حمایت و تکریم کند و ناراحتی‌ها، ناامنی‌ها و گرفتاری‌های آنان را رفع گرداند. باید فرهنگ اشتیاق و رغبت موعودگرایان را در میزان تلاش آنان در توسعه فعالانه این رفتارها و کارکردها و برقراری عقلانی و استدلالی آن با زمینه‌سازی ظهور، سنجش و هدایت نمود. این کمک و توسعه اشتیاق در دولت زمینه‌ساز، باید به اصول ذیل پای‌بند باشد:

۱. رعایت اصول و منش‌های مردم‌سالاری و ولایت‌محوری که در رأس آن، مقام ولایت واجد ویژگی‌های رهبری مؤمن، مجتهد، دین‌شناس، آگاه، مدیر، مدبر و مهدوی‌پناه باشد. مقام ولایی در این شکل از رهبری، فردی متقی و خداجوی است که هوای نفس را از خود رانده و اطاعت از امر امام عصر ۴ را بر خود فرض

می‌داند و یاران صالح و مخلص او را پیرامون این مکتب و راه‌برد، جمع می‌کند.
۲. اجازه ندادن به ظهور اخلاق و روی کردهای انحرافی، و تلاش در اثبات بطلان و پوچی این افکار و آرای الحادی که به آشکارسازی آن در جامعه باید توجه جدی گردد. نفاق و قابلیت نفوذپذیری تفکر منجی‌گرایی در میان ایده‌آل‌های آرمانی باید همواره از این روی‌کرد دور نگه داشته شود، و گرنه اینها خود عامل جنگ‌ها، فسادها، ستم‌گری‌ها و تفرقه‌ها گشته، احساس خسران و روی‌گردانی را موجب می‌شود. در واقع خواسته‌ها و تمایلات بشر در این دوران، آرمانی الهی و کمال‌گرایانه است و نباید اندیشه‌های فریب‌کارانه و پوچ و ناقص بشری، در آن راه یابد.

۳. اولویت اساسی جامعه منتظر و مشتاق، توسعه اخلاقی و اجتماعی و تکمیل فضایل انسانی و مسئولیت‌پذیری جامعه در اجرا و توسعه آن است. لذا این اشتیاق، باید خود را در قالب مبارزه علیه مظاهر فساد اخلاقی و اجتماعی و اقدام قانونی و قضایی علیه آن، صورت دهد. مشتاق خدمت به آن حضرت و اهداف مقدس او، باید سعی کند خود را از آلودگی‌های اخلاقی مانند ربا، کم‌فروشی، حيله‌گری، زیاده‌خواهی، فسق و فجور و... به شدت بازدارد و امر به معروف و نهی از منکر را در همه وجوه اجتماعی و ارتباطی، وجهه عمل خود قرار دهد و مروج و شهره آن گردد؛ به گونه‌ای که الگوی بازشناسی و اعمال زشت و نیک برای مردم معرفی شود.

۴. اشتیاق مهدوی در جامعه منتظر، باید تبلور خود را در دولت موعودگرا خلاصه و مشاهده نماید و شکل و سرشت دولت زمینه‌ساز، باید نمونه‌ای از جامعه و دولت مهدوی و منش و احیای آموزه‌های آن حضرت باشد. به فرمایش آن بزرگوار، مسئولان این دولت باید طوری عمل کنند که حضرت مهدی ۴ پس از ظهور، آنها را تأیید فرماید و طوری نباشد که آنان را از کار برکنار نماید.^{۲۹}

۵. قانون‌گذاری در دولت زمینه‌ساز، در دست مجالسی است که با قانون‌خام‌حور (قرآن و کلام معصومان)؛ اساس قوانین را ترسیم کند و اراده الهی و ولایت ناشی از آن را در تحقق و موفقیت این مدیریت در جهان، کافی بداند و در این زمینه استقامت نماید و تردید و هراسی به خود راه ندهد.

۶. استعدادها و قابلیت‌ها در جامعه منتظر، تابع سنجش و کنترل اشتیاق فعال و مسئولانه در ظهور است. شوق ظهور سبب می‌شود تا مشتاقان ظهور، تمام استعدادها و امکانات زندگی و جامعه خود را در خدمت این کار قرار دهند. خداوند نیز وعده داده است تا با به‌کارگیری این قابلیت‌ها از سوی مشتاقان مهدوی، این تلاش را با موفقیت قرین سازد.

۷. تنها اسلام ناب محمدی ﷺ می‌تواند چراغی روشن در خروج از ظلمات و سوسه‌های نفاق و مکاتب کفر، شرک و استکبار باشد. جامعه مشتاق و موعودگرا، تنها در پناه تمسک و دستیابی و عمل به معارف ناب و دستورها و تکالیف مقدس می‌تواند خود را معرفی کند و توسعه بخشد. در واقع اتکا بر آموزه‌های بنیادین انقلاب اسلامی،

قانون‌گذاری در دولت
زمینه‌ساز، در دست
مجالسی است که با
قانون‌خام‌حور (قرآن
و کلام معصومان)؛
اساس قوانین را ترسیم
کند و اراده الهی و ولایت
ناشی از آن را در تحقق
و موفقیت این مدیریت
در جهان، کافی بداند و
در این زمینه استقامت
نماید و تردید و هراسی
به خود راه ندهد

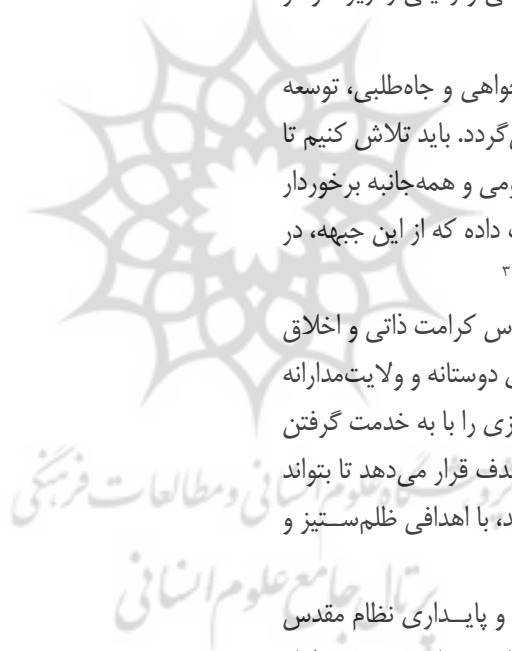
می‌تواند اشتیاق ظهور را برپا کند و روی کردهای ارتجاعی را از آن دور سازد.

۸. نیل به موفقیت در جامعه منتظر، در گرو اعتلای مدیریت و توان توسعه منابع سازمانی و انسانی است. دولت زمینه‌ساز باید سعی نماید تا اشتیاق بشری را در ترکیب این ابعاد مختلف دانش، فن‌آوری، صنعت، افکار و ارزش‌ها رشد دهد و برای هر حوزه، طراحی و برنامه‌ریزی راه‌بردی داشته باشد تا این علاقه در جهت نوآوری‌های خلاق قرار گیرد و امکان راه‌یابی ادبیات هژمونیک و استکباری در آن فراهم نشود و رقیبان نتوانند عقول بشری را در خدمت خود و منافع شخصی و یا مکاتب الحادی درآورند و از آنها در راه مصالح غیرانسانی سود جویند. مشتاقان ظهور در جامعه منتظر، باید با تولید و انتشار دانش نافع، افکار و اندیشه‌ها را شکوفا سازند و لایه‌های علوم و معارف آسمانی و زمینی را زیر نفوذ و سلطه خدامحوران قرار دهند.

۹. جلب رضای الهی و پرهیز از خودخواهی و جاه‌طلبی، توسعه و نهادینگی فرهنگ اشتیاق را موجب می‌گردد. باید تلاش کنیم تا این روی کرد از یک تأیید و پشتیبانی عمومی و همه‌جانبه برخوردار شود. در آن صورت، خداوند خود بشارت داده که از این جبهه، در هر زمان و مکانی پشتیبانی خواهد کرد.^{۳۰}

جامعه منتظر با این روی کردها، بر اساس کرامت ذاتی و اخلاق انسانی، با تمامی ملت‌های جهان رابطه‌ای دوستانه و ولایت‌مدارانه برقرار می‌کند و یک مدل فراملی و فرامرزی را با به خدمت گرفتن تمامی امکانات منابع و خدمات، منشأ هدف قرار می‌دهد تا بتواند در توسعه و تقویت دولت جهانی و متحد، با اهدافی ظلم‌ستیز و ضد فقر و فساد و تبعیض گام بردارد.

از خداوند متعال تداوم، سربلندی و پایداری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را تحت زعامت نایب برحق امام عصر 4، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای مسئلت می‌نماییم. ان شاءالله دولتش همان دولت زمینه‌ساز باشد و خداوند وجود کریمش را واسطه هدایت و خدمت به وجود مقدس بقیه‌الله الاعظم حجة بن





الحسن العسكري 4 گرداند. «اللهم اجعلنا من أنصاره و أعوانه و الذابین عنه و اجعلنا من المستشهدین بین یدیه».

پی نوشتها

- * استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله الاعظم 4.
- ۱ . سوره نساء، آیه ۱۰۴.
 - ۲ . «حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».
 - ۳ . (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا). (سوره مائده، آیه ۳)
 - ۴ . (الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ). (سوره نور، آیه ۵۵)
 - ۵ . «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق)
 - ۶ . (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ). (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵)
 - ۷ . (وَنَجْعَلُ لَهُمُ أُمَّةً وَنَجْعَلُ لَهُمُ الْوَارِثِينَ). (سوره قصص، آیه ۵)
 - ۸ . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۹، تهران: مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷ق.
 - ۹ . نقل از حجة الاسلام خسروی، پیش کار مرحوم مولوی.
 - ۱۰ . «من نام عن عدوه انبهته المكائد». (عبدالواحد الامدی، غرورالحکم، ص ۳۳۴، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش)
 - ۱۱ . «و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا، فإنهم حجتي عليكم، و أنا حجة الله». (محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۴۰، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق) «فأما من كان من الفقهاء صائناً

- نفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه، مطيعاً لأمر مولاه، فللعوام أن يقلدوه». (همان، ص ۱۳۱)
۱۲. سوره نور، آیه ۵۵.
۱۳. قرآن کریم، نهج الفصاحه، نهج البلاغه، صحیفه سجاده، سیره رسول اعظم ﷺ و خاندان عصمت و طهارت و ادعیه مأثوره از معصومان .: سرشار از فرهنگ تزکیه، تربیت، پرورش روحی و آموزش این راهبرد معنوی است و فلسفه اخلاق اسلامی از آن مایه می‌گیرد.
۱۴. نک: مباحثات استاد علامه جعفری و ژان پل سارتر و کتاب مناظره دکتر و پیر شهید هاشمی نژاد.
۱۵. (رَضِيتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا). (سوره مائده، آیه ۳): (دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ). (سوره نور، آیه ۵۵)
۱۶. مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین و زیارت حضرت صاحب الزمان ۴ و زیارت جامعه؛ دعای ندبه «هل اليك يابن احمد سبيل تلقى».
۱۷. «و تَمَتَّعْ فِيهَا طَوِيلًا». (دعای فرج، به نقل از: امام صادق ۷ و امام عسکری ۷)
۱۸. شهید آیةالله صدر: «در امام خمینی ذوب شوند، هم‌چنان که او در اسلام ذوب شده است».
۱۹. (إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ)؛ «در حقیقت، تو هر که را دوست داری نمی‌توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می‌کند». (سوره قصص، آیه ۵۶)
۲۰. امام باقر ۷ فرمود: «بنی الإسلام علی خمس الصلوة و الزکوة و الصوم و الحج و الولاية». (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش)
۲۱. مرحوم شهید هاشمی نژاد می‌فرمود: «انتظار امام زمان چنان است که فرماندهی، به یگان تحت امر خود می‌گوید: "من به سفر می‌روم و به محض این که بازگشتم، فرمان شروع عملیات را صادر خواهم کرد." شما بایستی آماده باشید، آن چنان که فرمانده چون آمد عملیات به سرعت و به‌طور کامل انجام شود. حال ببینیم افراد این یگان چه باید بکنند؛ بدیهی است بایستی روحاً و جسماً آماده باشند، ابزار کارشان آماده و مهیا باشد. شناسایی مسیر و گام‌های بعدی را کرده باشند».
۲۲. «و أَعْنَا عَلَى ذَلِكَ بَفَتْحِ مَنْكَ تَعَجَّلْ». (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای افتتاح)
۲۳. امام صادق ۷: «إِنْ قَائِمًا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِشَيْعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ». (الکافی، ج ۸، ص ۲۴۰)
۲۴. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَعَزَّ بِهَ الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تَذَلُّ بِهَ النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ». (مفاتیح الجنان، دعای افتتاح)
۲۵. «يعطف الهوى على الهدى إذا عطفوا الهدى على الهوى». (سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۳۸، تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۹ ش)
۲۶. «و لذهبت الشحنة من قلوب العباد». (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴)
۲۷. ایوان پاول اندرسون (کشیش و معاونت بین الملل کلیسای ملی واشنگتن) در مقاله ارائه شده خود به چهارمین همایش بین المللی دکترین مهدویت در سال ۸۷ با نام «موعودگرایی، صلح جهانی و امنیت» می‌گوید: «از سه کتاب آسمانی، تورات و انجیل تحریف شده و تنها قرآن بدون تحریف به دست ما رسیده است».
۲۸. با اسوه قرار دادن همه انبیا و اولیای الهی و آموزه‌های زندگی آنان به‌ویژه حضرت عیسی ۷، پیامبر اعظم اسلام ﷺ و امام علی ۷.
۲۹. نقل قول‌های دکتر احمدی نژاد از حضرت آیةالله مهدوی کنی در سومین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱۳۸۶.
۳۰. (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ). (سوره محمد، آیه ۷)